

تعیین عوامل روانی و اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه

زنان در شهر نورآباد ممسنی - سال ۱۳۹۲

یاسر محمدی^۱، حمید دهقانیان^{۲*}، فاطمه دهقانی^۳

گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نورآباد ممسنی، فارس، ایران، گروه جامعه شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۸

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۱/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: خشونت علیه زنان همواره از آسیب های اجتماعی است که سلامت فردی و اجتماعی افراد جامعه را با خطر روبه رو کرده است. هدف این پژوهش، شناخت عوامل روانی و اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهرستان نورآباد ممسنی بود.

روش بررسی: این مطالعه توصیفی - تحلیلی که بر روی زنان متأهل شهرستان نورآباد ممسنی در سال ۱۳۹۲ که یک سال از زندگی مشترک آنها گذشته و سطح تحصیلاتی بالاتر از ابتدایی داشتند، انجام پذیرفت. ابزار سنجش پرسشنامه محقق ساخته بود تعداد ۴۰۰ نفر به شیوه نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. متغیرهای جهت گیری جنسیتی، قدرت تصمیم گیری زنان و طبقه اجتماعی پاسخ گویان مورد سنجش قرار گرفت. داده ها با تحلیل واریانس یک طرفه تجزیه و تحلیل شده با تجمیع متغیرها و استفاده از رگرسیون به طراحی یک مدل تحلیل پرداخته شد.

یافته ها: همبستگی به دست آمده برای جهت گیری جنسیتی با خشونت علیه زنان ۰/۷۳۱ و برای میزان قدرت تصمیم گیری نسبت به زنان با خشونت علیه زنان ۰/۶۵۷ یافته شد. متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر متغیر جهت گیری جنسیتی به میزان ۰/۳۸۴ و بر متغیر قدرت تصمیم گیری نسبت به زنان به میزان ۰/۲۹۵ تأثیر داشت. هم چنین متغیر جهت گیری جنسیتی به میزان ۰/۴۲۳ تغییرات به وجود آمده در متغیر قدرت تصمیم گیری نسبت به زنان را پیش بینی می کند.

نتیجه گیری: متغیرهای جهت گیری جنسیتی، قدرت تصمیم گیری و طبقه اجتماعی از جمله عوامل تعیین کننده خشونت علیه زنان و میزان وقوع آن در خانواده می باشند.

واژه های کلیدی: خشونت، خانواده، عوامل روانی و اجتماعی

نویسنده مسئول: حمید دهقانیان، قم، دانشگاه قم، دانشکده الهیات، گروه جامعه شناسی

Email: h.dehghanian63@gmail.com

Archive of SID

مقدمه

روانشناسی اجتماعی در بهداشت روانی و

اجتماعی جامعه در آموزش، پیشگیری و کنترل انواع بیماری‌ها ذیل عنوان پزشکی اجتماعی در کشورهای توسعه یافته سال‌ها است که به ایفای نقش مؤثر خود پرداخته است. سازمان بهداشت جهانی در توصیف خشونت علیه زنان می‌گوید؛ طبیعت خشونت علیه زنان در خانواده به گونه‌ای است که می‌توان آن را نوعی شکنجه دانست. چنین تهاجم‌هایی با هدف ایجاد جراحات‌های روانی و جسمی صورت گرفته و علاوه بر خشونت فیزیکی موجب تحقیر زنان و لطمه‌های جبران ناپذیر روانی می‌شود(۶). نظریه‌های کشاننده‌ای نقش تحریک بیرونی را در بروز رفتارهای خشونت آمیز و پر خاش گرایانه مؤثر می‌داند. مشهورترین این نظریات نظریه ناکامی- پرخاشگری است که به وسیله دولارد و همکاران مطرح شده است. مطابق این نظر ناکامی به برانگیختگی کشاننده‌ای که هدف آن آسیب رساندن به دیگران است منجر می‌شود. ناکامی یعنی مسدود شدن راه‌های رسیدن به اهداف مورد نظر شخص(۷). دیدگاه دیگر در این زمینه ذیل عنوان یادگیری اجتماعی، منشاء این رفتار را درونی کردن رفتارهای اجتماعی به وسیله فرد از طریق فرآیند یادگیری می‌داند. بندورا، بارون و ریچاردسون، از جمله نظریه پردازان این دیدگاه هستند(۸). در پژوهشی که به وسیله سولی وان و همکاران انجام پذیرفت، نشان می‌دهد که احساس خود کم بینی و حقارت برآمده از خشونت علیه زنان به افسردگی شدید، تشویش و هراس، مشکلات روحی و سرانجام

نظر به نقش و جایگاه خانواده در شکل‌گیری فضایی امن و آرام برای اعضا و به خصوص فرزندان و اهمیت فوق العاده این نهاد در پرورش نسلی سالم از جهات جسمی و روانی، بروز مشکلات و ناهنجاری‌هایی از قبیل خشونت در محیط خانواده، می‌تواند لطمات جبران ناپذیری بر افراد خانواده و به تبع آن جامعه وارد سازد. افراد از سوی خانواده گام به عرصه هستی می‌نهند و جامعه نیز از تشکیل افراد هستی و قوام می‌یابد. به درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامتی کند، اگر از خانواده سالم برخوردار نباشد(۱). در این بین خشونت علیه زنان در خانواده‌ها، شایع‌ترین شکل خشونت، علیه زنان می‌باشد که با توجه به نقش زنان در سلامت خانوادگی و اجتماعی، توجه به حل این معضل همواره در دستور کار مسئولین و صاحب نظران قرار گرفته است. با توجه به ماهیت مسئله، محققین رشته روان‌شناسی اجتماعی و همچنین پزشکی اجتماعی در این زمینه تحقیقات فراوانی انجام داده‌اند. کلاین برگ(۱۹۵۴)، روان‌شناسی اجتماعی را علم مطالعه رفتار فرد در وضع گروهی تعریف کرده است(۲). آلپورت(۱۹۲۴) آن را کوششی برای فهم و تبیین چگونگی تغییر افکار، احساسات و رفتار انسان تحت تأثیر حضور دیگران معرفی می‌کند(۳). بارون(۱۹۹۷) نیز روان‌شناسی اجتماعی را رشته علمی تعریف می‌کند که در صدد یافتن ماهیت و علل رفتارها و افکار در موقعیت‌های اجتماعی بر می‌آید(۴).

خودکشی منجر شده است (۹). تایوری و همکاران در پژوهشی نشان داده‌اند که حمایت‌های اجتماعی خانوادگی، داشتن شغل و سطوح تحصیلاتی بالا به عنوان یک منبع خارجی می‌تواند خشونت را در خانواده‌ها کاهش دهد (۱۰).

در ایران در یک بررسی گسترده در سال ۱۳۸۰ در بین ۲۸ مرکز استان صورت پذیرفته نشان داده شد که در ۶۶ درصد از خانواده‌های مورد بررسی، زنان دست کم یک‌بار از ابتدای زندگی مشترک خشونت را تجربه کرده‌اند. در ۳۰ درصد از خانوارها خشونت فیزیکی جدی و حاد و در ۱۰ درصد خانوارها خشونت‌های منجر به صدمات موقت و دائم گزارش شده است (۱۱). در پژوهش خسروی و همکاران که در ایران صورت پذیرفت، ثابت شد که زنانی که قدرت اقتصادی، شغلی و تحصیلی دارند و از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در مسایل خانوادگی برخوردار هستند، ضمن کاهش میزان وقوع خشونت علیه آنها مقاومت بالاتری در برابر خشونت همسران داشته و از سلامت روان بالاتری برخوردار هستند (۱۲). در پژوهش خاقانی فرد نشان داده شد که بین خشونت روانی و تمایل به افکار خودکشی و آسیب رساندن به همسر همبستگی بالایی برقرار است (۱۳). همچنین در پژوهشی دیگر که در سال ۱۳۹۰، به منظور بررسی نقش خشونت علیه زنان، جامعه‌پذیری جنسیتی و سرمایه‌های اجتماعی در پیش بینی سلامت روان گروهی از زنان شهر تهران انجام شد، یافته‌ها نشان داد زنانی که دسترسی بیشتری به

سرمایه‌های اجتماعی و خانوادگی دارند از سلامت روان بالاتری برخوردار هستند. هر چه پیروی از الگوهای رایج جامعه‌پذیری جنسیتی و اعمال خشونت علیه زنان کمتر باشد، زنان از سلامت روان بالاتری برخوردارند (۱۴). زو و بیان و خسروی در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی به صورت مستقیم نقش آن‌ها را در فرآیندهای زندگی خانوادگی تغییر داده است و از سویی به صورت غیر مستقیم با تعدیل نگرش‌های جنسیتی وایدئولوژی جدایی طلبی جنسیتی، موقعیت آن‌ها را در خانواده بهبود بخشیده است (۱۵ و ۱۶). در پژوهش بلالی میبیدی و حسنی در شهر کرمان با عنوان فراوانی خشونت علیه زنان به وسیله همسران مشکلات اقتصادی به عنوان مهم‌ترین عامل بروز خشونت گزارش شده است (۱۶). در پژوهش اعظم‌زاده و دهقان‌فرد، نیز که با عنوان خشونت علیه زنان در تهران صورت پذیرفت، یافته‌ها نشان داد نوع روابط در خانواده دارای نقش اساسی در تعیین میزان خشونت علیه زنان می‌باشد. همچنین بین شیوه جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، سرمایه‌ها و منابع در دسترس زنان و شکل روابط در خانواده جهت‌یاب با خشونت علیه زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در تحلیل چند متغیری، روابط گفتمانی و درآمد ماهانه به ترتیب به عنوان مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های خشونت علیه زنان معرفی شده و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۷ را برای توضیح تغییرات خشونت علیه زنان به دست داده‌اند (۱۷). پژوهش کلمکا نشان داد که خشونت علیه

پایه‌ای که قدرت مذکور بر آن استوار است، اراده‌اش را، حتی به رغم مقاومت دیگران، بر آنها تحمیل کند. این متغیر از ترکیب گویه‌های امور مربوط به ظاهر زن، امور مربوط به فرزندان، اشتغال، تفریح و اوقات فراغت و تحصیلات می‌باشد (۲۲).

با توجه به اهمیت نقش زنان در سلامت روانی و اجتماعی جامعه و ضرورت انجام تحقیقات تجربی و علمی در زمینه خشونت علیه زنان این مطالعه با هدف تعیین میزان تأثیرگذاری عوامل روانی و اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر نورآباد ممسنی انجام شد.

روش بررسی

این یک مطالعه توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۹۲ زنان همسر دار شهر نورآباد ممسنی که حداقل یک‌سال از زندگی مشترک آنها گذشته و دارای سواد باشند، انجام شد و با توجه به ویژگی‌های ذکر شده تعداد زنان دارای شرایط بررسی ۲۰۰۰۰ نفر به دست آمد. برای انجام مطالعه از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده که در آن علاوه بر متغیرهای جمعیت شناختی، متغیرهای جهت‌گیری جنسیتی و قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده و طبقه اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت.

جهت سنجش روایی ابزار از پایایی همسانی درونی بهره گرفته شد. یعنی پیش آزمون روی ۴۰ نفر اجرا گردید و میزان آلفای به دست آمده به مقدار ۹۴ درصد حاکی از آن است که بین اقلام و گویه‌های

زنان در خانواده بیشتر به ویژگی‌های فردی شوهران آنها ارتباط داشته و متغیرهای فردی و اجتماعی زنان نقش چندانی در بروز خشونت علیه آنها نداشته است (۱۸).

جهت‌گیری جنسی این است که شخص از لحاظ جنسی تا چه اندازه مجذوب افراد هم‌جنس یا دگرجنس با خود می‌شود (۱۹). جهت‌گیری جنسی یک الگوی عاطفی هیجانی، رمانتیک و یا کشش جنسی به سمت جنس مرد، زن، هر دو جنس، هیچ یک از دو جنس یا جنس دیگر (جنسی میان زن و مرد، جنس سوم) می‌باشد. هم‌چنین طبق تعریف انجمن روان‌شناسی آمریکا جهت‌گیری جنسی به احساس یک فرد از هویت شخصی و اجتماعی که بر مبنای جاذبه‌ای جنسی شکل گرفته است، رفتارهایی که این جهت‌گیری را اظهار می‌کند و عضویت در اجتماع دیگران که فرد در آن شریک است، بر می‌گردد (۲۰).

طبقه اجتماعی به بخشی از جامعه اطلاق می‌شود که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته جمعی، میزان ثروت و دیگر دارایی‌های شخصی و نیز آداب معاشرت، با دیگر بخش‌های هم‌سان جامعه متفاوت باشد (۲۱). این شاخص در یک طیف فاصله‌ای از ۱ تا ۳۰ درجه‌بندی شده به طوری که از ۱ تا ۱۰ مربوط به طبقه پایین، از ۱۱ تا ۲۰ مربوط به طبقه متوسط و از ۲۱ تا ۳۰ مربوط به طبقه بالا اختصاص یافت (۲۱). قدرت تصمیم‌گیری فرصتی است که در چارچوب رابطه اجتماعی وجود دارد و به فرد امکان می‌دهد، صرف نظر از

ابزار نوعی همسانی درونی وجود دارد. همچنین جهت سنجش روایی نتایج پژوهش از پایایی بازآزمایی استفاده شد. برای پایایی بازآزمایی ابزار مورد نظر با فاصله زمانی ۲۰ روز روی نمونه‌ها به اجرا درآمد و سپس بین این دو اجرا ضریب همبستگی محاسبه شد و ضریب به دست آمده ۰/۸۷ حاکی از پایا بودن نتایج پژوهش دارد.

در این تحقیق چون به شیوه پیمایش حضوری انجام شد و جامعه آماری پژوهش را زنان تشکیل می‌داد، با توجه به حساسیت موضوع سعی شد نکات اخلاقی در حین پژوهش رعایت گردد. با استفاده از فرمول کوکران برای برآورد حجم نمونه با احتساب $p=q=0/5$ و ضریب دقت $d=0/05$ و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد ($t=1/96$)، میزان نمونه آماری ۳۹۲ نفر محاسبه گردید که جهت اطمینان بیشتر این رقم به ۴۰۰ نفر افزایش پیدا کرد.

لیست کلیه زنان جامعه آماری از مرکز بهداشت شهر نورآباد ممسنی تهیه گردید، سپس به دلیل پراکنده بودن نمونه‌های جامعه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با حجم جامعه جهت انتخاب نمونه‌ها و جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. یعنی ابتدا جامعه آماری به ۵ منطقه و ۲۰ بلوک تقسیم شده و سپس با توجه به ترافیک جمعیتی سهم هر منطقه محاسبه گردید.

برای تحلیل داده‌ها، با توجه به نرمال بودن توزیع، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و پس

آزمون مقایسه LSD، جهت سنجش متغیر پایگاه اجتماعی استفاده شد. همچنین جهت سنجش رابطه معنی‌داری دو متغیر جهت‌گیری جنسیتی و میزان قدرت تصمیم‌گیری زن در خانواده با خشونت علیه زنان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. در آمار توصیفی از انحراف معیار، میانه، نما و جداول دو بعدی استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۲۹ سال بود. نتایج نشان داد، ۴۰ نمونه (۱۰ درصد) از زنان مورد مطالعه شهر نورآباد ممسنی تجربه حداقل یک‌بار خشونت به وسیله همسران خود را داشته‌اند. از این تعداد ۳۳/۵ درصد مورد خشونت اجتماعی و حقوقی، ۳۲ درصد خشونت روانی و کلامی، ۱۶/۵ درصد خشونت اقتصادی، ۱۶ درصد خشونت جسمی و ۱۴/۵ درصد خشونت جنسی قرار گرفتند، نتایج حاکی از معنی‌داری بودن رابطه میان جهت‌گیری جنسیتی با خشونت علیه زنان بود ($p<0/05$)، همچنین همبستگی به دست آمده به مقدار ۰/۷۲۱ نشان دهنده رابطه مستقیم و قوی می‌باشد، که هر چقدر جهت‌گیری جنسیتی نسبت به زنان افزایش یابد، میزان خشونت علیه زنان بیشتر می‌شود. همچنین بین قدرت تصمیم‌گیری نسبت به زنان با خشونت علیه زنان رابطه معنی‌داری وجود داشت ($p<0/05$)، همبستگی به دست آمده به مقدار ۰/۶۵۷ نشان دهنده رابطه مستقیم و قوی می‌باشد، هر

(۰/۱۳۰)، قدرت تصمیم‌گیری (۰/۲۶۷) و طبقه اجتماعی (۰/۲۲۲) تغییرات به وجود آمده در خشونت جنسی را پیش‌بینی کردند و برای مقدار پیش‌بینی تغییرات به وجود آمده در متغیر جهت‌گیری جنسیتی نسبت به زنان، متغیر طبقه اجتماعی (۰/۳۸۴) تغییرات به وجود آمده در این متغیر را پیش‌بینی می‌کند. همچنین متغیر طبقه اجتماعی (۰/۲۹۵)، از تغییرات به وجود آمده در متغیر قدرت تصمیم‌گیری نسبت به زنان و متغیر جهت‌گیری جنسیتی نسبت به زنان (۰/۴۲۳)، تغییرات به وجود آمده در متغیر قدرت تصمیم‌گیری نسبت به زنان را پیش‌بینی می‌کند. بین جهت‌گیری جنسیتی نسبت به زنان با خشونت علیه زنان به مقدار ۰/۷۳۱ همبستگی وجود دارد و جهت‌گیری جنسیتی ۰/۲۱۹ خشونت علیه زنان را پیش‌بینی می‌کند.

بحث

یکی از پدیده‌های خانوادگی که امروزه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، مسئله اعمال خشونت در خانواده‌ها است. در این بین سهم خشونت علیه زنان هم از لحاظ کمی و هم درجه اهمیت تعداد قابل توجهی از پژوهش‌ها را به سمت خود معطوف کرده است. تایوری و همکاران در پژوهشی نشان داده‌اند که حمایت‌های اجتماعی خانوادگی، داشتن شغل و سطوح تحصیلاتی بالا به عنوان یک منبع خارجی می‌تواند خشونت را در خانواده‌ها کاهش دهد (۱۲). هدف این پژوهش شناخت عوامل روانی و اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در شهر نورآباد بود.

چقدر قدرت تصمیم‌گیری نسبت به زنان افزایش یابد خشونت علیه زنان بیشتر می‌شود (جدول ۱).

بر اساس نتایج حاصله، بین افراد متعلق به پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف در زمینه خشونت علیه زنان تفاوت معنی‌داری وجود داشت ($p < 0/05$). میانگین به دست آمده طبقات نشان دهنده آن می‌باشد که خشونت علیه زنان در طبقه پایین بیشتر از طبقه متوسط و در طبقه متوسط بیشتر از طبقه بالا می‌باشد، یعنی هر چقدر پایگاه اجتماعی، اقتصادی افراد پایین‌تر باشد میزان خشونت علیه زنان در بین آنها بیشتر است و بالعکس (جدول ۲).

متغیرهای جهت‌گیری جنسیتی (۰/۲۱۹)، قدرت تصمیم‌گیری (۰/۲۷۸) و طبقه اجتماعی (۰/۲۰۹) تغییرات به وجود آمده در خشونت علیه زنان را پیش‌بینی کردند. همچنین متغیرهای جهت‌گیری جنسیتی (۰/۲۲۲)، قدرت تصمیم‌گیری (۰/۲۸۳) و طبقه اجتماعی (۰/۳۱۴) تغییرات به وجود آمده در خشونت اجتماعی را پیش‌بینی کردند. متغیرهای جهت‌گیری جنسیتی (۰/۱۶۷)، قدرت تصمیم‌گیری (۰/۲۷۲) و طبقه اجتماعی (۰/۱۸۳) تغییرات به وجود آمده در خشونت روانی - کلامی را پیش‌بینی کردند. سهم هر کدام از متغیرها در پیش‌بینی تغییرات به وجود آمده در خشونت فیزیکی به ترتیب متغیرهای جهت‌گیری جنسیتی (۰/۲۹۳)، قدرت تصمیم‌گیری (۰/۲۷۶) و طبقه اجتماعی (۰/۲۳۶) به دست آمد. در مورد خشونت اقتصادی نیز، متغیرهای جهت‌گیری جنسیتی (۰/۲۱۴)، قدرت تصمیم‌گیری (۰/۲۶۴) و طبقه اجتماعی (۰/۴۶۰) تغییرات به وجود آمده در خشونت اقتصادی را پیش‌بینی کردند. متغیرهای جهت‌گیری جنسیتی

جدول ۱: رابطه نگرش پاسخ‌گویان در مورد جهت گیری جنسیتی نسبت به زنان و قدرت تصمیم گیری آنان

متغیرها	جهت گیری نسبت به زنان	خشونت علیه زنان
خشونت علیه زنان	۰/۷۳۱	۱
ضرب همبستگی		۰/۰۵
سطح معنی داری		
جهت گیری نسبت به زنان	۰/۷۳۱	۱
ضرب همبستگی		۰/۰۵
سطح معنی داری		
قدرت تصمیم گیری زنان	۱	خشونت علیه زنان
ضرب همبستگی		۰/۶۵۷
سطح معنی داری		۰/۰۵
خشونت علیه زنان	۰/۶۵۷	۱
ضرب همبستگی		۰/۰۵
سطح معناداری		

جدول ۲: مقایسه میزان خشونت در پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف

طبقه اجتماعی - اقتصادی	تعداد (درصد)	انحراف معیار \pm میانگین	سطح معنی داری
بالا	۸۰ (۲۰ درصد)	۱ \pm ۰	> ۰/۵
متوسط	۱۲۰ (۳۰ درصد)	۱/۹۲ \pm ۰/۲۷۹	> ۰/۵
پایین	۲۰۰ (۵۰ درصد)	۲ \pm ۰	> ۰/۵
مجموع	۴۰۰	۱/۷۸ \pm ۰/۴۱۹	> ۰/۵

میزان خشونت در بعد جنسی مشاهده شد. پژوهش کلمگا (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که زنان طبقات پایین هیچ نوع تفاوت قابل‌ذکری با زن‌های دیگر ندارند. علت خشونت، نه در ویژگی‌های آن‌ها بلکه در ویژگی‌های شوهرانشان است. مردانی که همسران خود را کتک می‌زنند، عموماً در رفتارهای اجتماعی ناسازگارند. اغلب این مردها از نظر تحصیلات و درآمد، و پایگاه شغلی در سطح پایین هستند، اعتماد به نفس کمتری دارند و در زندگی شخصی احساس مؤثر بودن را ندارند. اغلب نه تنها نسبت به زن، بلکه نسبت به دیگران از جمله فرزندان خود نیز خشونت می‌ورزند (۲۳).

نتایج این مطالعه نشان داد که بین میزان قدرت، تصمیم‌گیری نسبت به زنان با خشونت علیه زنان همبستگی وجود دارد و قدرت تصمیم‌گیری متغیر پیش‌بین برای تعیین خشونت علیه زنان می‌باشد. ضمناً پایگاه اقتصادی - اجتماعی نیز از جمله متغیرهای مؤثر بر خشونت علیه زنان و تعیین‌کننده در پیش‌بینی آن است. همچنین میزان وقوع خشونت علیه زنان در طبقات پایین به نسبت طبقات بالا بیشتر می‌باشد. خشونت علیه زنان در اکثر خانواده‌ها وجود دارد و خشونت علیه زنان در ۵ بعد اجتماعی، روانی، اقتصادی، فیزیکی و جنسی مشاهده می‌شود. همچنین همسران در تولید خشونت نقش مؤثری دارند. بیشترین میزان خشونت در بعد اجتماعی و کمترین

مؤثر است و زنانی که از قدرت تصمیم‌گیری و طبقه اجتماعی بالاتری برخوردارند کمتر مورد خشونت واقع می‌شوند.

نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان گفت منشاء خشونت علیه زنان از خانواده و ساختارهای حاکم بر خانواده می‌باشد و به وسیله شوهران تولید و باز تولید می‌شود. این نوع خشونت که منشاء آن از خانواده باشد به حوزه‌های کلان جامعه نیز تسری پیدا می‌کند و در نتیجه ادامه می‌یابد.

اقدامات اساسی جهت کاهش خشونت علیه زنان در سطح محلی، ملی و بین‌المللی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به یافته‌های این پژوهش و تحقیقات پیشین، برای جلوگیری و حداقل‌کاهش اعمال خشونت در خانواده برگزاری سمنارها و گسترش تحقیقات، مشاوره (برگزاری کارگاه‌های آموزش جنسیتی و خشونت خانگی، ایجاد خطوط مشاوره تلفنی و اطلاع‌رسانی در سطح وسیعی برای مردم، پیگیری وضعیت زنان خشونت‌دیده و آموزش (آموزش زوجین در حین ازدواج، آشنایی جوانان با مهارت‌های زندگی و حل مساله و روش‌های مقابله با خشونت) ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به فضای بومی و فرهنگ سنتی مردم شهر نورآباد به خصوص زنان، جمع‌آوری اطلاعاتی درباره مسایل خانوادگی و شخصی از آنها آن هم از طریق پرسش‌نامه کار بسیار دشواری بوده که این

یافته‌های این پژوهش نشان داد که علاوه بر ویژگی‌های فردی مرد در خانواده پایگاه اجتماعی زنان و همچنین خانواده در امر خشونت علیه زنان مؤثر می‌باشد. در پژوهش خاقانی فرد یافته‌ها نشان داد زنانی که دسترسی بیشتری به سرمایه‌های اجتماعی و خانوادگی دارند از سلامت روان بالاتری برخوردار هستند. هر چه پیروی از الگوهای رایج جامعه‌پذیری جنسیتی و اعمال خشونت علیه زنان کمتر باشد، زنان از سلامت روان بالاتری برخوردارند (۱۶). پژوهش خسروی و همکاران که در ایران صورت پذیرفت نشان داد که زنانی که قدرت اقتصادی، شغلی و تحصیلی دارند و از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در مسایل خانوادگی برخوردار هستند. ضمن کاهش میزان وقوع خشونت علیه آنها از مقاومت بالاتری در برابر خشونت همسران داشته و از سلامت روان بالاتری برخوردار هستند (۱۴). در پژوهش اعظم زاده و دهقان فرد، نیز که با عنوان خشونت علیه زنان در تهران صورت پذیرفته، یافته‌ها نشان می‌دهند نوع روابط در خانواده دارای نقش اساسی در تعیین میزان خشونت علیه زنان می‌باشد. همچنین بین شیوه جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، سرمایه‌ها و منابع در دسترس زنان و شکل روابط در خانواده جهت‌یاب با خشونت علیه زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. هم‌سویی این مطالعه نیز با نتایج تحقیقات فوق‌نشان می‌دهد که داشتن جهت‌گیری جنسیتی در خانواده، قدرت تصمیم‌گیری و همچنین پایگاه اجتماعی و اقتصادی زوجین در میزان وقوع خشونت علیه زنان

مشکل با آموزش پرسش گران و اطمینان خاطر پاسخ گویان جهت استفاده صرفاً علمی از تحقیق حل گردید.

تقدیر و تشکر

این مطالعه حاصل طرح تحقیقاتی مصوب دانشگاه آزاد واحد نورآباد ممسنی بود که با حمایت مالی این دانشگاه انجام شد. از همکاری مسئولین مرکز بهداشت شهر نورآباد ممسنی در اجرای این تحقیق تشکر و قدردانی می شود.

Archive of SID

REFERENCES

- 1.Sarokhani B, Sociology of the Family, Tehran. The humanities and cultural studies Center 1996, 11.
- 2.Klineberg O.Social Psychology. New York: Henry Holt & Co. Inc; 1954; 26.
- 3.Allport FH.Social psychology. Boston: Houghton Mifflin; 1924; 159-82.
- 4.Baron RA, Byrne D. Social psychology. 8rd ed. Allyn and Bacon;1997; 260-274
- 5.A Number of Author. Social Psychology in the Light of Islamic Resources, Qom. Printed of ri hu ac. Emotion 2012; 14: 225-64.
- 6.The World Health Organization. Shahram R, Pasinia S. Tehran: Nashre tandis; 2000; 39-40.
- 7.Berkowitz L. On the formation and regulation of anger and aggression: A cognitive neoassociationistic analysis. American Psychology 1990; 45: 494-503.
- 8.Bandura A. Social foundations of thought and action :A social cognitive view. Englewood Cliff NJ Prentice – Hal 1986; 6: 84-91.
- 9.Sullivan TP, Titus JA, Holt LJ, Swan SC, Fisher BS, Snow DL. Does the inclusion criterion of women's aggression as opposed to their victimization result in sample that differ on key dimensions of intimate partner violence?. 2009.
- 10.Tiwari A, Fong DYT, Yuen KH, Yuk H, Pang PH, Umphreys JB, Ullock L. Effect of an Advocacy intervention on Mental Health in Chinese Women Survivors of Intimate Partner Violence: A Randomized Controlled Trial. Journal of the American medical Association 2010; 56-9.
- 11.Center of Women's Participation and Minister of Health social Deputy.National research on domestic violence against women in, 2000.
12. Khosravi Z, Khaghanifard M, Khachatryan A. A sociological study on womens cultural, social and Economic capitals with domestic violence. Annual Sociology Department Yerevan State University ; 2008; 130 .
- 13.Khaghani Fard M. An investigation of the relationship between annoying spouse with tendency to suicide and hurting husband in women subjected to violence in Tehran .M.A dissertation in women's study. Alzahra Uniency, 2007.128
- 14- Khaghani Fard M 1390. social Psychological studies of women·Number 28: 55-80
15. Zuo, J, lanjie B. Beyond Resources and patriarchy: Marital construction of family Decision Mating power inpost- Maourban china. Journal of Comparative Family Studies 2005; 36(4): 601- 22.
- 16..Balali Meybodi F, Hassani M.Prevalence of Violence Against Women by their Partners in Kerman.Iranian Journal of Psychology 2009; 15(3): 300- 7.
- 17.Atkinson R. Hilgard psychology. Braheni MN(editor).Translator. Tehran: Roshd; 2006; 18.
- 18.Azam azade M, Deghan fard R. Journal :Women in Development and Politics Spring and Summer 1385, No. 14:159-179
- 19.Frankowski BL. Sexual Orientation and Adolescents. American Academy Of Pediatrics 2004; 114.
- 20.Leander A. Class, Weberian approaches to. In Jones RJ(editor). Barry. Routledge Encyclopedia of International Political Economy: Entries A-F. Taylor & Francis 2001; 227
- 21.Blood Robert O, Wolf DM. Husband and Wives, Gellencoe Illinois: the free press. Broderick CB; 1960; 83.
- 22.Good WJ. Force and violence in the family. Journal of Marriage and Family 1971; 33: 624- 36.
- 23.Klomegah RY. Intimate partner violence (IPV) in Zambia: An examination of risk fators and gender perceptions. Journal of Comparative Family studies, Psychology of Women Quarterly 2008; 26(4): 282-91.

Psychological and Social factors Influencing the Violence Against Women, Nourabad, Fars

Mohammadi Y¹, Dehghanian H², Dehghani F³

¹Department of Sociology, Azad University, Branch of Mamasani Nurabad, Fars, Iran,

²Department of Sociology, University of Qom, Qom, Iran; ³Social Determinants of Health Research Center, Yasuj University of Medical Sciences, Yasuj, Iran, Iran,

Received: 14 Feb 2014

Accepted: 29 May 2014

Abstract

Background & aim: Violence against women is always of social problems which faced the individual and social health of community members. The aim of this study was to identify psychosocial factors affecting violence against women in the Nurabad.

Methods: This cross-sectional study was performed on a year of their lives of married women in Nurabad city in 2014 with the level of primary education or more. The assessment tool was questionnaire and 400 students were selected by cluster sampling method. Variations of gender orientation, decision-making power of women and social class of respondents were assessed. Data were analyzed using one-way analysis of variance with the aggregate variables and regression analyses were used to design a model.

Results: The correlation of sexual orientation or violence against women and to the decision-making power or violence against women were 0.731 and 0.657 respectively. Variable social base - economic variables on the variables of gender orientation 0.384 and on the decision-making power of women 0.295 were affected. It also showed that the variables of gender orientation at the rate of 0.423 will predict the changes in the decision-making power of women.

Conclusion: Variable of gender orientation, decision-making and social class as factors determining violence against women and its incidence in the family.

Key Words: violence, family, psychological, and social factors.

Corresponding author: Dehghanian H, Department of Sociology, University of Qom, Qom, Iran
Email: h.dehghanian63@gmail.com